نگاه

جمع اضداد در شانگهای

بهرام امیراحمدیان
کارشناس حوزه آسیای میانه و قفقاز

● نوزدهمین اجلاس سازمان همکاری شانگهای در بیشکک قرقیزستان برگزار شد. ایران سال‌هاست تمایل خود به عضویت دائم این سازمان را از مجاری رسمی اعلام کرده است و هر بار به بهانه‌هایی از ارتقای عضویت ایران از ناظر به دائم سر باز زده‌اند. این موضوع اغلب موجب دلسردی ایران از همکاری در سازمانی شده که با چند عضو آن همسایه است. با نگاهی به قلمرو جغرافیایی این سازمان و موقعیت جغرافیایی ایران می‌توان دریافت بیش از آنچه ایران نیازمند پیوستن به این سازمان به عنوان عضو دائم باشد، این کشورهای عضو سازمان هستند که باید ایران را به عضویت دائم در آورند. در ابعاد اقتصادی در چارچوب یک سازمان همکاری منطقه‌ای، دسترسی به آب‌های آزاد و دریاهای پیرامون قلمرو جغرافیایی یک سازمان همکاری منطقه‌ای می‌تواند نکته‌ای مثبت و ارزشمند باشد. ایران با دسترسی به آب‌های گرم خلیج‌فارس و دریای عمان از طریق جاده و ریل می‌تواند این اتصالات را برای سازمان شانگهای فراهم آورد. این موقعیت استثنائی است. ایران جزء بزرگ‌ترین دارندگان منابع نفت و گاز در جهان است و دو کشور پرجمعیت جهان و منطقه نیازمند واردات انرژی (هند و چین) می‌توانند روی منابع عظیم نفت و گاز ایران برنامه‌ریزی کنند. پاکستان در همسایگی شرقی ایران جزء کشورهای پرجمعیت و مسلمان منطقه و عضو دائم شانگهای، نیاز به واردات انرژی دارد که در کوتاه‌ترین و کم‌هزینه‌ترین راه می‌تواند با ایران در تعامل باشد. از نظر سیاسی، ایران با تجربیات گران‌قیمتی که در دهه‌ها در مبارزه با قاچاق مواد مخدر و مبارزه با تروریسم به دست آورده است، می‌تواند نقطه اتکای سازمان شانگهای باشد. از نظر تولید علم و سابقه تمدنی، ایران در کنار چین و هند جزء معدود تمدن‌هایی است که از دوره باستان تاکنون به حیات فرهنگی و تمدنی خود ادامه می‌دهد و این ارتباط با تمدن نه تنها کم‌رنگ نشده، بلکه تقویت هم شده است. عدم پذیرش ایران به عنوان عضو دائم از سوی دبیرخانه شانگهای را می‌شود به نوعی کم‌التفاتی و بی‌مهری و لج و لجبازی قلمداد کرد. هرچند عضویت دائم در سازمان شانگهای برای ایران بزرگ که از نظر مؤلفه‌های قدرت، توان‌های بالقوه و بالفعل زیادی برای ایفای نقش قدرت منطقه‌ای دارد، سؤال‌برانگیز است. در بسیاری از سازمان‌های همکاری منطقه‌ای که در یک چارچوب تقسیم کار در فضای اقتصادهای مکمل یکدیگر کنار هم آمده‌اند، ضرورت همکاری و فلسفه وجودی آن برای هم‌پوشانی اقتصاد است، اما برخلاف این روند، در سازمان شانگهای اقتصادهای تکمیلی وجود ندارند. هند و چین خود صادرکننده کالاهای مصرفی و واردکننده «های‌تک» و نیازمند جذب سرمایه‌های خارجی هستند و هر دو از ایران نفت می‌خرند و اقتصاد ما را نه تنها شکوفا نکرده‌اند، بلکه با تولید کالاهای ارزان‌قیمت، قدرت رقابت‌پذیری تولیدات ایران را نه تنها در فضای اقتصاد خارجی کم کرده‌اند، بلکه حتی قدرت رقابتی کالاهای ایرانی را در داخل کشور از بین برده یا تضعیف کرده‌اند. از نظر سیاسی، اعضای شانگهای جمع اضداد هستند. روابط چین با پاکستان تیره است و آنها یک اختلاف آنتاگونیستی دارند. چین و هند نیز روابط کاملا دوستانه‌ای ندارند. دو قدرت بزرگ منطقه یعنی چین و روسیه نیز یکی در شرق و دیگری در غرب هر یک دیدگاه متفاوتی به جهان دارند. چین اهداف اقتصادی خود را دنبال می‌کند و برای تأمین زندگی جمعیت ۱،۳میلیاردی خود به دنبال یافتن بازاری به‌دور از تنش‌های نظامی است. روسیه یک قدرت نظامی است که در راستای ایجا روسیه‌ای قدرتمند و احیای شوروی است و سازمان شانگهای را برای تجزیه‌گری و جهان‌گشایی خود و در نهایت رویارویی با ایالات متحده می‌خواهد. این دو امپراتوری قاره‌ای اجازه عرض اندام به ایران نخواهند داد و در صورت ارتقای جایگاه عضویتی ایران به‌عنوان عضو دائم هم این امکان را به ایران نخواهند داد و جایگاه ایران را مساوی کشورهای آسیای مرکزی تعریف خواهند کرد در حالی‌که ایران داعیه قدرت منطقه‌ای دارد و جایگاه مناسبی برایش نیست. ایران در بهترین حالت، می‌تواند انرژی کشورهای آسیای مرکزی، هندوستان و پاکستان و در نهایت افغانستان (عضو ناظر) را تأمین کند. ولی روسیه در این میان امکان رقابت در بازار انرژی را به ایران نخواهد داد که در این زمینه تجربه انتقال گاز ایران به ارمنستان و سپس تصمیم به ادامه خطوط تا گرجستان موجود است که روسیه این امکان را از ایران سلب کرد. اتحادیه اروپا برای تأمین انرژی پاک خود علاقه‌مند بود از ایران در چارچوب همکاری‌های انرژی گاز وارد کند. گمان می‌رود موفق‌نبودن ایران در این زمینه، انحصارگرفتن صادرات گاز به اروپا از سوی روسیه باشد زیرا ایران هم‌تراز روسیه در دارابودن ذخایر اثبات‌شده گاز طبیعی در جهان است ولی سرمایه‌گذاری‌ها با توجه به تحریم‌های بین‌المللی و تحمیلی از سوی آمریکا مانع توسعه زیرساخت‌های صادراتی گاز ایران به اروپا شده است و روسیه از این رقابت منفعت به دست می‌آورد. با درنظرگرفتن آنچه در بالا به آن اشاره شد، این شانگهای است که باید به ایران نیازمند باشد و نه ایران به شانگهای. ارتقای جایگاه ایران از ناظر به دائم، منافع مورد انتظار ما را تأمین نخواهد کرد. بهترین وضعیت همانی است که امروز در آن هستیم.

ترامپ: تنگه هرمز برای مدتی طولانی بسته نمی‌شود

کلاف سردرگم انفجار ۲ نفت‌کش

هم‌زمان با ملاقات شینزو آبه، نخست‌وزیر ژاپن، با مقام معظم رهبری در تهران، دو نفت‌کش در دریای عمان منفجر شد. اتفاقی که یک روز بعد به طرح دوباره بحث درباره بسته‌شدن تنگه هرمز پیوند خورد.

دو کشتی حامل میعانات گازی بودند، یک کشتی نروژی «فرونت التر» حامل اتانول و کشتی ژاپنی «کوکوکا کاریجس» حامل متانول. کشتی نروژی با پرچم جزایر مارشال و کشتی ژاپنی با پرچم پاناما در تردد بودند. خبرگزاری‌های بین‌المللی ساعتی بعد از وقوع این حادثه از قول مقام‌های مختلف، گزارش‌های گوناگونی درباره استفاده از «اژدر»، «مین دریایی» و «استفاده از قایق» برای وقوع انفجار منتشر کردند. یک مقام ژاپنی نیز گفته بود خدمه کشتی ژاپنی که دچار آتش‌سوزی شد، شاهد حرکت «اشیائی پرنده» به سوی شناور بودند. ۱۵ عضو شورای امنیت سازمان ملل متحد، به اتفاق آرا حملات روز پنجشنبه به دو نفت‌کش در دریای عمان را محکوم کردند و خواهان انجام تحقیقاتی مستقل و بی‌طرف در این زمینه شدند؛ اما ایالات متحده آمریکا در ساعات اولیه حادثه، این اتفاق را به ایران منسوب کرد؛ البته مانند دفعات پیش بدون هیچ دلیل و مدرکی. یک روز بعد از حادثه، ماجرای نفت‌کش‌ها شکل دیگری به خود گرفت. سنتکام ستاد فرماندهی مرکزی آمریکا با انتشار ویدئویی تلاش کرد ماجرا را به ایران منتسب کند. در ویدئو یک قایق گشتی نشان داده شده که به کشتی نزدیک می‌شود و کاری انجام می‌دهد و به‌سرعت از کادر خارج می‌شود؛ اما روایت سنتکام این است که این قایق متعلق به ایران است و مینی عمل‌نکرده را از بدنه نفت‌کش کوکوکا جدا می‌کند. این نفت‌کش پیش‌تر در دریای عمان منفجر و بعد دچار آتش‌سوزی شد. هیچ نشانی روی قایق نیست که آن را منتسب به ایران کند. همچنین ویدئو بدون تاریخ، زمان و مکان مشخص است.

هرمز بسته نمی‌شود

عصر جمعه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، در گفت‌وگو با شبکه خبری فاکس‌نیوز گفته تنگه هرمز به‌عنوان مسیر کلیدی تردد کشتی‌ها، بسته نخواهد شد. او گفت: «آنها (ایران) تنگه هرمز را نمی‌بندند، این تنگه بسته نخواهد شد. این تنگه برای مدتی طولانی بسته نخواهد بود و آنها (ایران) این را می‌دانند. به آنها با شدیدترین لحن گفته شد نمی‌توانند این کار را بکنند». رئیس‌جمهور آمریکا در این مصاحبه بار دیگر ایران را عامل این حمله دانست. به گزارش بی‌بی‌سی، ترامپ در پاسخ به این پرسش که چه طرحی برای جلوگیری از وقوع حوادث بیشتری از این نوع دارد، گفت: «باید ببینیم چه می‌شود». وقوع دومین حادثه نفتی در دریای عمان در ماه‌های گذشته به‌سرعت موجب صف‌آرایی شد، آمریکا، انگلیس و کشورهای عربی منطقه در یک سو ایستادند و انگشت اتهام را به سمت ایران گرفتند. سوی دیگر ایران قرار گرفت که به‌دنبال رفع اتهام از خود بود.

تک و پاتک اتهامی

«شک» پرتکرارترین کلمه در واکنش به حادثه نفت‌کش‌ها بود؛ همه مشکوک بودند به عامل حادثه. محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه کشورمان، در ساعات اولیه وقوع حادثه آتش‌سوزی در نفت‌کش‌های دریای عمان در صفحه توییترش نوشت: «حملات گزارش‌شده به تانکرهای مرتبط با

ژاپن زمانی اتفاق افتاد که نخست‌وزیر شینزو آبه برای گفت‌وگوهایی گسترده و دوستانه در حال دیدار با آیت‌الله خامنه‌ای بود. مشکوک‌بودن برای توصیف آنچه احتمالا امروز صبح اتفاق افتاده، کفایت نمی‌کند. مجمع گفت‌وگوی منطقه‌ای پیشنهادی ایران، ضروری است». مایک پمپئو، وزیر امور خارجه آمریکا، در واکنش به حمله به دو نفت‌کش در دریای عمان مدعی شد: تحلیل آمریکا این است که حمله به نفت‌کش‌ها کار ایران بوده و ایران قصد دارد جریان نفت را دچار مشکل کند. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا نیز بامداد جمعه در توییتی ایران را مسئول حمله به دو نفت‌کش در دریای عمان دانست و نوشت: ارزیابی آمریکا این است که ایران مسئول حملات دریای عمان است. سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در واکنش به اتهام‌زنی‌های بی‌اساس آمریکا اظهار کرد: مسئولیت تأمین امنیت تنگه هرمز، بر عهده جمهوری اسلامی ایران است و نشان دادیم که در سریع‌ترین زمان ممکن به کمک ملوانان کشتی‌های دچار سانحه رفتیم و آنها را نجات دادیم. ظاهرا برای آقای پمپئو و سایر دولتمردان آمریکایی متهم‌کردن ایران در حادثه مشکوک و تأسف‌بار برای نفت‌کش‌ها راحت‌ترین و ساده‌انگارانه‌ترین کار است. درحالی‌که نخست‌وزیر ژاپن برای کاهش تنش‌ها، با نفر اول جمهوری اسلامی ایران در حال دیدار است، کدام دست‌های پنهان به‌دنبال اثرگذاری بر این تلاش‌ها در منطقه است و چه کسانی از آن سود می‌برند؟! آقای پمپئو! این تشکیک نه‌تنها شوخی و خنده‌دار نیست، بلکه نگران‌کننده و هشدارآمیز است. محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه کشورمان نیز در واکنش به ادعاهای آمریکا مبنی بر دست‌داشتن ایران در این حملات در توییتی نوشت: اینکه ایالات متحده فورا و بدون ذره‌ای شواهد عینی یا هر اماره‌ای، به اتهام‌پراکنی علیه ایران دست می‌زند، تنها این را کاملا آشکار می‌کند که تیم بی در حال حرکت به سوی یک نقشه جایگزین است: خرابکاری در دیپلماسی (از جمله در اقدامات شینزو آبه) و سرپوش‌گذاشتن بر تروریسم اقتصادی علیه ایران. او در توییت دیگری افزود: من چند ماه پیش دقیقا درباره همین سناریو هشدار دادم؛ نه به این دلیل که من یک پیشگو باشم، بلکه به این دلیل که من ذات تیم بی را می‌شناسم. دبیرکل سازمان ملل نیز حمله به دو نفت‌کش در دریای عمان را محکوم کرده و گفته باید ابعاد ماجرا روشن شود. دبیرکل اتحادیه عرب هم از شورای امنیت خواسته با عاملان حمله برخورد کند. روسیه هم به اتهام‌زنی به ایران واکنش نشان داده است.

شورای امنیت محکوم کرد

وقوع این اتفاق در روز پنجشنبه منجر به برگزاری جلسه فوری شورای امنیت شد. عصر پنجشنبه اعضای دائم شورا در نشستی که به پیشنهاد آمریکا برگزار شده بود، حمله به دو نفت‌کش در دریای عمان را محکوم کردند. منصور العتیبی، سفیر کویت و رئیس دوره‌ای شورای امنیت سازمان ملل متحد در این زمینه گفت از اقدام همه اعضای شورای امنیت در محکومیت حمله به نفت‌کش‌ها در نزدیکی تنگه هرمز استقبال می‌کنیم و خواهان تحقیقات کامل و بی‌طرفانه در این زمینه هستیم. منصور العتیبی که پس از نشست غیرعلنی شورای امنیت با خبرنگاران صحبت می‌کرد، گفت که مجاز نیست درخصوص نتیجه این نشست به طور رسمی ابراز نظر کند. رئیس دوره‌ای شورای امنیت در ادامه گفت: همه خواهان تحقیقات بی‌طرفانه و واقعی هستند. منصور العتیبی با این حال تأکید کرده است که در نشست عصر پنجشنبه درخصوص اینکه چه کسی مسئول این حمله بوده، بحث نشد. همچنین درباره شواهد و مدارک هم مذاکره‌ای انجام نشد.

ایران و آمریکا و دعوت به دیپلماسی

جاناتان کوهن، سرپرست نمایندگی آمریکا در سازمان ملل متحد هم گفت اسناد و ارزیابی‌های ایالات متحده درخصوص مسئول‌بودن ایران در این حمله را به شورای امنیت ارائه کرده است. جاناتان کوهن که پس از نشست شورای امنیت صحبت می‌کرد، اظهار کرد ایران باید با دیپلماسی در برابر آمریکا حاضر شود و نه به «ترور، حمله به کشتی‌ها و تأسیسات دیپلماتیک» دست بزند. نمایندگی دائم جمهوری اسلامی ایران نزد سازمان ملل متحد نیز به اظهارات نماینده آمریکا در شورای امنیت پاسخ داد. به گزارش ایسنا، ایران اعلام کرد: اظهارات فتنه‌جویانه نماینده آمریکا علیه ایران در جلسه ۲۳ خرداد شورای امنیت سازمان ملل نماد دیگری از عملیات روانی ایران‌هراسانه این کشور بود. ایران قاطعانه ادعای بی‌اساس آمریکا در ارتباط با حوادث تانکرهای نفت‌کش را رد کرده و آن را با شدیدترین لحن ممکن محکوم می‌کند. فراخواندن ایران به دیپلماسی و بازگشت به میز مذاکره توسط آمریکایی که خود به صورت غیرقانونی از برجام خارج شده، یک طنز است.

اتحاد انگلیس با آمریکا

وزیر امور خارجه انگلیس نیز در ادعاهایی بی‌اساس ایران را مسئول حملات به دو نفت‌کش در دریای عمان دانست. به گزارش ایسنا، به نقل از رویترز، جرمی هانت، وزیر خارجه انگلیس روز جمعه در بیانیه‌ای در واکنش به حملات به دو نفت‌کش در دریای عمان گفت: این مسئله بسیار نگران‌کننده است و در زمانی رخ داده که تنش‌ها در اوج خود هستند. من با پمپئو در ارتباط بوده‌ام. ما هوشیارانه و با دقت به ارزیابی این مسئله خواهیم پرداخت اما تا آن زمان باید حرف شریک آمریکایی‌مان را باور کنیم. ستاد فرماندهی مرکزی آمریکا نیز روز جمعه با انتشار بیانیه‌ای از اعزام ناوشکن ماسون (USS Mason) به دریای عمان برای حفاظت از منافع آمریکا در منطقه خبر داد.

تحلیل رسانه‌های جهان از سفر نخست‌وزیر ژاپن به ایران

دیدار بی‌سابقه زیر سایه انفجار نفت‌کش‌ها

شرق: پیش از آنکه فرصت چندانی برای ارزیابی فراز و فرودهای دیدار شینزو آبه، نخست‌وزیر ژاپن با مقامات ایران باشد، انفجار نفت‌کش‌های ژاپنی و نروژی در آب‌های جنوبی ایران، خبر سفر او را زیر سایه برد و هم‌زمان خود به مؤلفه‌ای مهم در تحلیل تصویر کلی تلاش‌های آبه در میانجیگری بین ایران و ایالات متحده تبدیل شد. برخی رسانه‌ها با شک‌وتردید به اتهام‌زنی آمریکا به ایران نگاه کردند و مثل ان‌پی‌آر که فقدان اسناد و شواهد را در ادعای اولیه مایک پمپئو، وزیر خارجه آمریکا برجسته کردند، برخی این سفر دوروزه را تازه شروع کار آبه در واسطه‌گری بین ایران و غرب و نیز تعامل با دو طرف دانستند و برخی نیز هم‌زمانی این دو را نشانه بی‌معنایی تلاش‌های آقای نخست‌وزیر قلمداد کردند.

مأموریت حیاتی ترکیه

The Asahi Shimbun Asia & Japan Watch

روزنامه ژاپنی آساهی شیمبون در تحلیلی که دراین‌باره نوشته، ادامه راه پیش‌روی آبه برای میانجیگری بین ایران و آمریکا را در تعامل بین توکیو و واشنگتن می‌داند. آساهی شیمبون در نوشته‌ای با تیتر «لازم است آبه ترامپ را قانع کند که تنش‌ها را با ایران کم کند»، می‌نویسد: «خروجی سفر آبه به ایران حرف‌های بسیاری درباره توانایی ژاپن برای ایفای نقش به‌عنوان برقرارکننده واقعی صلح در منطقه خواهد داشت. برای توکیو حیاتی است که از همین ابتدا موضعش را در مواجهه با این چالش دیپلماتیک مشخص کند. اقدامات توکیو بدون تردید بر پایه اتحاد نزدیکش با واشنگتن است؛ اما دولت ژاپن نمی‌تواند به انجام نقش میانجی صلح امیدوار باشد، مگر اینکه بتواند ایالات متحده را قانع کند که اقدامات لازم را به نوبه خود انجام دهد». در این سرمقاله آساهی شیمبون این رویکرد را نه فقط در جهت میانجیگری بین ایران و آمریکا که در راستای اولویت‌های سیاست خارجی این کشور لازم می‌داند: «لازم است ژاپن مشخص کند که دستور کار دیپلماتیکش را نه سیاستی بر مبنای دنبال‌کردن صرف ایالات متحده، بلکه تعهدش به ارزش‌هایی جهانی از قبیل صلح‌طلبی و همکاری بین‌المللی پیش می‌برد. این نه فقط برای تلاش‌هایش در جهت میانجیگری صلح بلکه برای سلامت و راستی سیاست خارجی‌اش به طور کلی نیز اهمیت دارد».

بن‌بستی که آبه در آن قرار گرفته

The Washington Post

واشنگتن‌پست اما نگاه بدبینانه‌ای به سفر آبه دارد و البته آن را زیر سایه انفجارهای نفت‌کش‌ها در دریای عمان می‌بیند. واشنگتن‌پست با اشاره به شرایط غیرقابل‌قبول ایران و آمریکا برای یکدیگر جهت مذاکره می‌نویسد: «در میان چنین بن‌بستی، آبه می‌تواند از این شکایت کند که بازی سختی پیش‌روی او گذاشته شده اما این باور وجود داشت که او دارد پیشنهادهایی به خود می‌آورد، احتمالا پیشنهادهایی که بعد از مشورت با ترامپ و مقامات آمریکا روی آنها توافق شده و حداقل می‌توانند به کاهش تنش‌ها کمک کنند، اگر نتوانند یک گشایش واقعی دیپلمات را جلو ببرند». در این نوشته، به نقل از یکی از استادان سیاست بین‌الملل در دانشگاه اوپن ژاپن آمده است که سفری صرفا برای پیام‌رسانی از سوی ترامپ برای آبه خجالت‌آور خواهد بود و اگر او این کار را بکند، ریسکی سیاسی در مقابل دنیا کرده است: «اما فعلا به نظر می‌رسد که این ریسک نتیجه خوبی نداشته است». «مخاطبان ایرانی او، مشخص کردند که تأکید در مباحث بر چه بوده است: رد هرگونه ایده‌ای برای مکالمه با ایالات متحده. آنها با این کار باعث شدند آبه پیام‌رسانی بی‌اراده به نظر برسد».

واشنگتن‌پست سپس به سراغ ماجرای نفت‌کش‌ها می‌رود و آن را نشانه‌ای از بی‌ثمری سفر آبه قلمداد می‌کند: «جف کینگستون، استاد دانشگاه تمپل در توکیو به همکارم سایمون دنیر گفته این «تصادف» غریبی است و نشان می‌دهد دیدار آبه چندان بیش از یک دیدار برای دوربین‌ها نبوده است، بدون هیچ اثری روی تنش‌ها». اما آبه هنوز نقشی برای بازی دارد: «توبیاس هریس، معاون ارشد مؤسسه مشاوره جهانی تنئو در واشنگتن دی‌سی، در ایمیلی گفت: «ممکن است آبه به ایفای نقش به‌عنوان واسطه برای تهران و رقبایش عمل کند، به‌ویژه با نزدیک‌بودن اجلاس گروه ۲۰؛ اما کاهش ریسک تشدید تنش نیازمند تغییری اساسی خواهد بود، هم در راهبردهای ایران و هم در راهبردهای ایالات متحده و متحدان منطقه‌ای‌اش. بعید است آبه بتواند این تغییر را حاصل کند».

چرا ایران نه؟

CNN

از طرف دیگر، سی‌ان‌ان با تردید به ماجرای نفت‌کش‌ها نگاه می‌کند و سناریوی نقش‌داشتن ایران را زیر سؤال می‌برد. نیک پتن‌والش در تحلیلش با نگاه به هم‌زمانی سفر آبه و این اتفاق آورده: «آنچه به نظر حمله آمد، سفر آبه را زیر سایه برد، سفری که کنشی غیرمنتظره به سمت تعامل با ایران بود، توسط کسی که ترامپ او را یک دوست می‌خواند». والش در مرور اتهامی که به برخی نیروها در ایران دراین‌باره وارد شده، می‌گوید: «ممکن است این‌طور استدلال کنید که تندروهای ایرانی چنین حمله‌ای را ترتیب دهند تا تلاش‌ها برای صلح را از مسیر خارج کنند، اما تندروهای ایران، معمولا کمی باهوش‌تر از این هستند که مسیرهای کشتی‌رانی بین‌المللی را در میانه یک جلسه حیاتی دیپلماتیک بمباران کنند». جواد ظریف، وزیر خارجه و میانه‌رو ارشد ایران، حق داشت که اشاره کند «مشکوک» حتی گوشه‌ای هم از آنچه احتمالا امروز رخ داد، توصیف نمی‌کند. وقتی یک طرف به این سادگی در معرض اتهام قرار می‌گیرد، احتمالا بی‌تقصیر است، یا به شکل تصورناپذیری ساده». در رد ایده اقدام ایران در این زمینه برای تأثیرگذاری قیمت نفت نیز سی‌ان‌ان آورده: «رویترز گزارش داده که تهران در حال افزایش صادرات باقی‌مانده پتروشیمی‌اش در نزدیکی تشدید تحریم‌هاست. ممکن است به‌دنبال افزایش قیمت نفت باشد؟ شاید؛ اما هم‌زمان حمل‌ونقل همان نفت دچار اختلال می‌شود، پس آنها احتمالا باز هم ضرر می‌کنند. سخت می‌شود تصور کرد که یک تندرو ایرانی آن‌قدر باهوش باشد که از پس چنین ظاهرا حمله‌ای بربیاید بدون اینکه بفهمد بلافاصله گرفتار خواهد شد». سی‌ان‌ان حتی سناریوی دست‌داشتن عربستان را هم به همین شکل، بیش از حد ساده و بعید می‌داند و می‌نویسد «اگر چنین نقشه‌ای آشکار شود، ممکن است ضربه‌ای که به وجهه عربستان می‌زند مهلک باشد».

سؤال‌های بعد از حادثه

The Guardian

گاردین در تحلیل رابطه ایران و آمریکا استدلال می‌کند که اثرگذاری ماجرای نفت‌کش‌ها در تشدید تنش‌ها، خیلی به این مربوط نیست که ماجرا کار چه کسی بوده: «در واقعیت، این سؤال که واقعا چه کسی مسئول [این حادثه] است، زیر سایه دو سؤال دیگر می‌رود: چه کسی مسئول دانسته خواهد شد و چه کسی زمینه چنین حملاتی را فراهم کرده است، حملاتی که یک سال پیش غیرقابل‌تصور بودند؛ اما اکنون بیش از آنکه غافلگیرکننده باشند، نگران‌کننده‌اند. ایران بابت خیلی چیزها در منطقه باید پاسخ‌گو باشد، بیش از همه در سوریه؛ اما این ایالات متحده است که از یک توافق هسته‌ای بین‌المللی که ایران داشت آن را رعایت می‌کرد، خارج شد. انگیزه این کار هم به نظر می‌رسد تا حد زیادی آلرژی دونالد ترامپ باشد به هر موفقیتی از سوی سلفش. با سکانداری جنگ‌طلب افراطی، جان بولتون و با تحریک امارات متحده عربی و عربستان سعودی، ایالات متحده «فشار حداکثری» را دنبال کرده است، با فشار بر اقتصاد ایران و ارسال دیگر پیام‌های تهدیدآمیز، حتی زمانی که می‌گفته‌اند مذاکره خواهند کرد. تنها عامل محدودکننده رئیس‌جمهور، به نظر می‌رسد وعده‌اش به رأی‌دهندگان برای نجاتشان از جنگ‌های گران‌قیمت خاورمیانه و شاید میلش به این باشد که ثابت کند در مقایسه با باراک اوباما توافق‌کننده بهتری است».

یادداشت

آب گل‌آلود

حسن هادی . کارشناس بین‌الملل

● کودکان سیاست‌باز، این‌بار خلیج‌فارس را محل بازی خود قرار داده‌اند. کاش یک دوجین چرچیل در این برهه وجود داشت تا درس سیاست، کیاست، کشورداری و حتی سناریونویسی را به این به‌اصطلاح متفکران و سیاست‌مداران می‌آموخت. بدیهی است که سناریوی خراب‌کاری فجیره و نفت‌کش‌های تازه منفجرشده، فقط به‌منظور متهم‌کردن ایران به اجرا درآمد. اصل این خراب‌کاری برای همین هدف طراحی شده بود که ایران تحت فشار قرار گیرد. تنگ‌کردن حلقه محاصره ایران در ابعاد داخلی و خارجی و استفاده از سیاست فشار حداکثری برای اقناع ایران به پذیرش شرایط طرف مقابل، سیاستی است که موجد این حوادث شده است. جالب‌تر اینکه بلافاصله هم این اتهامات به صورت سراسری از بنگاه‌های خبرپراکنی آمریکا و متحدانش منتشر شد؛ مواضع گرفته و حکم هم صادر شد. برای بررسی و ریشه‌یابی بروز چنین اتفاقات و حوادث مشابهی، باید دید چه کشورها و چه کارتل‌هایی از این آب گل‌آلود ماهی خواهند گرفت؟ آیا اهداف این خراب‌کاری‌ها سیاسی است، یا اصلا از ابتدا منافع اقتصادی عده‌ای کارتل در میان بوده است؟ اگر این فرضیه را قبول داشته باشیم که سیاست هم در خدمت اقتصاد است، می‌توان نتیجه گرفت این سناریوها برای منفعت‌طلبی عده‌ای سوداگر و تاجر طراحی و اجرا می‌شوند. در تأیید این ادعا، همین بس که یکی از اعضای ارشد حزب جمهوری‌خواه کنگره و از طرفداران پروپاقرص ترامپ، در نطقی اتهام این خراب‌کاری را متوجه ایران دانست و گفت: دوستان ما در منطقه باید قابلیت‌های دفاعی خود را بالا ببرند و ما باید در این راه به آنها کمک کنیم و سلاح بیشتری به آنها بفروشیم. در پی آن، پمپئو نیز ایران را متهم کرد و در ادامه سیاست‌های ایران‌هراسی خود، ویدئویی نامفهوم و کاملا ساختگی برای اثبات این ادعا پخش کرد. رژیم اسرائیل و متحدان عرب او نیز که اکنون پا از او هم فراتر گذاشته‌اند، بدشان نمی‌آید در ادامه این خوش‌خدمتی، جنگ دیگری در منطقه راه بیفتد تا از هزارتوی گرفتاری‌ها و بحران‌های داخلی که دیگر گریزی از آن ندارند، جان سالم به‌در برده و چندصباحی بیشتر به سلطنتشان ادامه دهند. در این شرایط، محمد بن‌سلمان دیوانه‌وار دنبال این تنش است. فشارهای روزافزون بر شیعیان، افکار عمومی و حتی هم‌قطارانش در ماجرای «خاشقجی‌گیت و حریری‌گیت» و ناکامی در جنگ یمن، راه را برای اقدامی ناپخته و جنگ‌افروزانه در راستای فرار از این اوضاع، برای این جوان مهیا کرده است. بن‌زاید نیز که شمشیر دشمنی و نفاق را از رو بسته است، می‌خواهد به متحد اصلی‌اش یعنی رژیم صهیونیستی نشان دهد تا دم مرگ به او وفادار است؛ بنابراین سرنوشت و آینده کشور و ملتش را به‌هیچ‌وجه نمی‌بیند. باید پذیرفت شلیک اولین گلوله در این منطقه، «شلیک برعکس» و خودزنی محسوب خواهد شد و مرگ حتمی برای شروع‌کننده دعوا خواهد بود. ایران دنبال تنش نبوده و نیست؛ بسیار ساده‌انگاری است که تصور شود ایران در این شرایط، آن‌هم به این شیوه مضحک و بالاتر از آن درست در کنار مرز خود، دست به چنین اقدام ناپخته‌ای بزند. آنان که ایران و شیوه‌های رفتاری سیاست‌مدارانش را می‌شناسند، به‌خوبی دریافته‌اند که تسویه‌حساب‌های سیاسی ایران بر شیوه‌ها و اصول دیگری استوار است و در صورت نیاز، به اشکال مؤثرتر و در زمان و مکان بسیار تأثیرگذارتری دست به بازی می‌زند. تیزهوشی و قدرت تشخیص مقامات جمهوری اسلامی ایران، آنها را از این رفتارهای کودکانه مبرا می‌کند. ایران باید به‌هوش باشد تا در تله این جنگ‌افروزی‌های منفعت‌طلبانه نیفتد. سیاست کهنه و نخ‌نمای چماق و هویج ایالات متحده آمریکا، برای کشوری با قدمت ایران کارایی ندارد. کشورهای منطقه نیز دیر یا زود باید بفهمند خانه‌های پوشالی خود را در کنار انبار باروتی که از آمریکا هدیه گرفته‌اند، ساخته‌اند و به‌زودی در آتش آن خواهند سوخت.